

# راهنمای آنارشیستی جان به‌در بردن از ویروس

ترجمه‌ی نسترن امیریان



سرمایه‌داری در بحران، برآمدن تمامیت‌خواهی،  
استراتژی‌های مقاومت



این بیماری عالم‌گیر طی چند هفته‌ی آینده تمام نخواهد شد. حتی اگر اقدامات تحدیدی سفت‌وسخت در کاهش تعداد ابتلاها به میزان ماه پیش موفق شوند، ویروس می‌تواند به محض تعلیق اقدامات به گسترش نمایی خود ادامه دهد. وضعیت فعلی احتمالاً تا ماه‌ها ادامه خواهد یافت - منع رفت‌وآمدهای ناگهانی، قرنطینه‌های نامنجم، شرایطی که به شکل فزاینده‌ای ناامیدکننده است - گرچه تقریباً به قطع و یقین در نقطه‌ای که تنش‌های آن شدت یابند، تغییر صورت خواهد داد. به منظور آمادگی برای آن لحظه، بگذارید از خودمان و یکدیگر در برابر تهدیدی که ویروس ایجاد می‌کند، محافظت کنیم، مسائل دربارهی خطر و ایمنی را که پاندمی به وجود می‌آورد از همه جهت بسنجیم و با پیامدهای مصیبت‌بار نظمی اجتماعی که در وهله‌ی اول هرگز برای پاسداشت بهزیستی ما طراحی نشده بود، مقابله کنیم.

## جان به در بردن از ویروس

وقتی نوبت به جان به در بردن از این بیماری و هول و هراس ناشی از آن می‌رسد، صورت‌های دیرینه‌ی آنارشیستی از سازمان و امنیت، حرف زیادی برای گفتن دارند.

### یک گروه همبستگی<sup>۱</sup> شکل دهید

چشم‌انداز قرنطینه چیزهای زیادی درباره‌ی این که تاکنون چگونه زندگی می‌کردیم، به ما می‌گوید. کسانی که در خانواده‌های صمیمی یا خانه‌های جمعی مسرت‌بخش زندگی می‌کنند موقعیت بسیار بهتری نسبت به کسانی دارند که ازدواج‌شان شکست خورده است و کسانی که در خانه‌ی بزرگ خالی به‌تنهایی زندگی می‌کنند. این موضوع یادآور خوبی است از این که چه چیزی واقعاً در زندگی اهمیت دارد. علی‌رغم آن دسته از مدل‌های ایمنی که رؤیای بورژوازی درباره‌ی صاحب‌خانگی خانواده‌ی هسته‌ای ارائه‌شان می‌کند و سیاست خارجی ایالات متحده که آن را انعکاس می‌دهد، **باهم بودن**

---

<sup>۱</sup> Affinity Group

و **مراقبت** بسیار مهم‌تر از آن نوع امنیتی است که به حصار کشیدن کل جهان بستگی دارد.

«فاصله‌گذاری اجتماعی»<sup>۱</sup> نباید به معنی انزوای تام تعبیر شود. اگر جامعه‌ی ما به مشتی فرد اتمیزه تقلیل یابد، ما در امنیت بیشتری نخواهیم بود. این امر ما را نه از ویروس، نه از استرس ناشی از این موقعیت و نه از دست‌اندازی‌های قدرت که سرمایه‌داران و مقامات دولتی درصدد انجام آن هستند، مصون نگه نمی‌دارد. برای مثال، حتی با این‌که افراد سالخورده در معرض خطر ویروس قرار دارند، مردم مسن‌تر در این جامعه از پیش به شکل خطرناکی ایزوله شده‌اند؛ قطع هرگونه ارتباط آنان با دیگران، سلامت فیزیکی و ذهنی آنان را حفظ نخواهد کرد. همه‌ی ما نیاز داریم در گروه‌های صمیمی ریشه بدوانیم به‌نحوی که هم امنیت پزشکی و هم ظرفیت جمعی‌مان برای بهره بردن از زندگی و فعالیت به حداکثر برسد.

گروهی از افرادی را که به آن‌ها اعتماد دارید انتخاب کنید؛ در حالت ایدئال، افرادی که زندگی هرروزه‌ی خود را با آن‌ها سهیم هستید که همگی آن‌ها عوامل خطرزا و سطوح تحمل خطر مشترکی دارند. به‌منظور جان به در بردن از ویروس، این گروه همبستگی شما، سنگ بنای اولیه‌ی سازمان غیرمتمرکز آنارشیستی است. ضرورتاً نیاز ندارید که در یک ساختمان با آن‌ها زندگی کنید؛ مسئله‌ی مهم این است که بتوانید عوامل خطر خود را به آن دسته از عواملی کاهش دهید که همگی در آن‌ها مشترک هستید و با آن احساس راحتی دارید. اگر گروه شما بیش‌ازحد کوچک باشد، ایزوله خواهید شد و این امر به‌ویژه در صورتی مشکل ایجاد می‌کند که مریض شوید. اگر گروه بیش‌ازحد بزرگ باشد، با خطر بی‌دلیل سرایت مواجه خواهید شد.

با یکدیگر صحبت کنید تا به مجموعه‌ای از انتظارات مشترک در این باره برسید که چگونه با خطر سرایت دست‌وپنجه نرم خواهید کرد. این اعمال می‌توانند هر چیزی باشند؛ از انزوای فیزیکی کامل فردی تا یادآوری استفاده از ضدعفونی‌کننده‌ی دست بعد از لمس سطوح در مکان‌های عمومی. وقتی بتوانید عوامل خطر برای قرار گرفتن

<sup>۱</sup> Social distancing

در معرض ویروس در خارج از گروه‌تان را به حداقل برسانید، درون گروه همچنان می‌توانید یکدیگر را بغل کنید و ببوسید، باهم غذا درست کنید و سطوح یکسانی را لمس کنید. نکته‌ی مهم این است که درباره‌ی سطح خطری که شما به‌طور جمعی برای تحملش آماده هستید به توافق برسید، به پروتکل امنیتی تعیین‌شده پایبند باشید، و هنگامی که عامل خطر جدیدی به وجود می‌آید، به روشنی ارتباط برقرار کنید.

آنچه گفته شد همان چیزی است که آنارشیست‌ها فرهنگ امنیت می‌نامند؛ رویه‌ی استقرار مجموعه‌ای از انتظارات مشترک برای حداقل ساختن خطر. وقتی با سروکوب پلیس و نظارت دولت سروکار داریم، با اشتراک‌گذاری اطلاعات بر پایه‌ی «باید بدانید» از خودمان محافظت می‌کنیم. وقتی با یک ویروس سروکار داریم، با کنترل رُدارهایی که بیماری مسری ممکن است در امتداد آن‌ها انتشار یابد، از خودمان محافظت می‌کنیم.

هرگز ممکن نیست که یکسره از ریسک اجتناب شود. نکته این است که تعیین کنید با چه میزان خطر راحت هستید و به‌گونه‌ای رفتار کنید که اگر چیزی اشتباه پیش رفت، افسوس نخورید و بدانید که تمام اقدامات احتیاطی را که ضروری دانسته‌اید انجام داده‌اید. از طریق سهیم شدن زندگی‌تان با یک گروه همبستگی، نهایت احتیاط و خوش‌مشربی را به دست خواهید آورد.

### یک شبکه شکل دهید

البته گروه همبستگی شما به‌تنهایی برای رفع تمام نیازهای شما کافی نخواهد بود. اگر به منابعی احتیاج پیدا کنید که هیچ‌کدام از شما نتوانید در ایمنی به آن دسترسی داشته باشید، چطور؟ اگر همگی با هم بیمار شوید چه؟ شما نیاز دارید با دیگر گروه‌های همبستگی در شبکه‌ای از یاری متقابل<sup>۱</sup> ارتباط برقرار کنید، تا در صورتی که هر گروه در شبکه از پا درآید، دیگران بتوانند به یاری آنان بشتابند. با مشارکت در شبکه‌ای مثل این، شما می‌توانید منابع و حمایت را بدون اینکه نیاز باشد همگی

<sup>۱</sup> mutual aid

خودتان در معرض همان سطح خطر قرار دهید، به گردش درآورید. ایده این است که وقتی افراد از گروه‌های مختلف درون شبکه با هم تعامل پیدا می‌کنند، اقدامات ایمنی سخت‌گیرانه‌تری را برای حداقل رساندن خطر اضافی اعمال می‌کنند.

عبارت «یاری متقابل» اخیراً ورد زبان بسیاری از افراد، حتی سیاستمداران، شده است. *یاری متقابل* به معنای صحیح آن، برنامه‌ای را توصیف نمی‌کند که به سیاق سازمان خیریه، کمک‌های یک‌جانبه برای دیگران فراهم می‌آورد. در عوض، رویه‌ی غیرمتمرکز مراقبت متقابل است که شرکت‌کنندگان در یک شبکه از طریق آن اطمینان حاصل می‌کنند که هر کس آنچه را که نیاز دارد به دست می‌آورد، به طوری که همه دلیلی برای صرف وقت و انرژی خود برای بهزیستی دیگران دارند. مسئله تبادل این-به-آن-در نیست، بلکه ردوبدل مراقبت و منابعی است که نوعی وفور و تاب‌آوری را ایجاد می‌کند که می‌تواند اجتماع را در مواقع دشوار سر پا نگه دارد. شبکه‌های یاری متقابل زمانی بیشترین کامیابی را دارند که بنای اعتماد متقابل با دیگران در مدت‌زمان طولانی ممکن باشد. نیازی نیست همه‌ی افراد دیگر شبکه را بشناسید یا حتی از آنان خوش‌تان بیاید، ولی همه باید به میزان کافی به شبکه ببخشند تا تلاش‌هایتان باهم حسی از وفور بیافریند.

به نظر می‌رسد چارچوب عمل متقابل می‌تواند با قشربندی اجتماعی متناسب واقع شود که در آن افرادی از طبقات اجتماعی مشابه با دسترسی مشابه به منابع، برای دستیابی به بهترین بازده در سرمایه‌گذاری منابع خودشان به یکدیگر گره می‌خورند. اما گروه‌ها از پیش‌زمینه‌های مختلف می‌توانند به گستره‌ی وسیعی از انواع مختلف منابع دسترسی پیدا کنند. در این مواقع، ثروت مالی می‌تواند بسیار کم‌ارزش‌تر از تجربه‌ی کار لوله‌کشی، توانایی صحبت به گویش خاصی یا پیوندهای اجتماعی در یک اجتماع از آب دربیاید که هرگز فکر نمی‌کردید به آن وابستگی پیدا کنید. همگان دلیل خوبی برای گسترش شبکه‌های یاری متقابل‌شان تا بیشترین مسافت و پهنه‌ی ممکن دارند.

ایده‌ی بنیادین در اینجا این است که همین پیوندهایمان با دیگران است که ما را در امان نگه می‌دارد، نه حفاظت از خودمان در برابر آن‌ها یا قدرت ما بر آن‌ها.

آینده‌نگرانی<sup>۱</sup> که تمرکز خود را بر ایجاد انبار خصوصی غذا، اسباب و لوازم و اسلحه گذاشته‌اند، قطعات پازل را برای آخرالزمان هر-یک-علیه-همه کنار هم قرار می‌دهند. اگر تمام انرژی خود را در گرو راه‌حل‌های فردی بگذارید و همه‌ی افراد اطراف خود را رها کنید تا به‌تنهایی برای بقای خودشان بجنگند، تنها امید شما پیشی گرفتن در رقابت است. و حتی اگر پیروز شوید؛ وقتی کس دیگری نیست تا آن اسلحه را به سمت او نشانه بروید، شما تنها فرد باقی‌مانده خواهید بود و آن سلاح آخرین ابزار در اختیار شما خواهد بود.

### چه ارتباطی با خطر داریم؟

ظهور یک بیماری واگیردار بالقوه کشنده‌ی جدید، همه‌ی ما را وادار می‌کند تا درباره‌ی چگونگی ارتباط خود با خطر فکر کنیم. چه چیزی ارزش این را دارد که زندگی‌مان را برایش به خطر بیندازیم؟

اکثر ما با تأمل نتیجه می‌گیریم که -باوجود برابر بودن چیزهای دیگر- ادامه‌ی نقش‌مان در سرمایه‌داری ارزش این را ندارد که به خاطر آن زندگی‌مان را به خطر بیندازیم. از سوی دیگر، ممکن است بیارزد که جان خود را برای محافظت از یکدیگر، مراقبت از یکدیگر، دفاع از آزادی و امکان زندگی در جامعه‌ای برابری‌خواه، به خطر اندازیم.

همان‌گونه که انزوای کامل برای سالخوردگان ایمن‌تر نیست، تلاش برای اجتناب تمام و کمال از خطر نمی‌تواند ما را ایمن نگه دارد. اگر خودمان را اکیداً از دیگران دور کنیم درحالی‌که عزیزانمان بیمار می‌شوند، همسایگانمان می‌میرند و پلیس دولتی آخرین ذرات خودآیینی ما را می‌گیرد، ایمن‌تر نخواهیم بود. انواع بسیار مختلفی از خطر وجود دارد. احتمالاً زمان آن فرارسیده است که مجبور شویم در این باره بازاندیشی کنیم که آماده‌ایم چه خطری را برای زندگی باعزت به جان بخریم.

این مسئله ما را به این پرسش می‌رساند که چگونه می‌توانیم از تمام تراژدی‌های بی‌دلیلی که حکومت‌ها و اقتصاد جهانی در بستر بیماری عالم‌گیر بر سر ما می‌ریزند،

---

<sup>۱</sup> Preppers

جان سالم به در ببریم - فارغ از همه‌ی تراژدی‌های غیرضروری که از پیش می‌آفریدند. خوشبختانه، همان ساختارهایی که می‌توانند ما را به زنده ماندن از ویروس در کنار هم قادر سازند، همچنین می‌توانند ما را به ایستادگی در برابر آن‌ها [دولت و سرمایه‌داری] مجهز کنند.

### جان به در بردن از بحران

بیا بید رک باشیم: تمامیت‌خواهی دیگر تهدیدی واقع در آینده نیست. اقداماتی که در سراسر جهان انجام می‌شوند، تمامیت‌خواه به تمام معانی کلمه هستند. ما مصوبات یک‌جانبه‌ی دولت برای اعمال ممنوعیت کامل سفر، منع رفت‌وآمد ۲۴ ساعته، حکومت‌نظامی واقعی و سایر اقدامات دیکتاتوری را می‌بینیم.

این گفته بدان معنا نیست که ما نباید اقدامات لازم را برای محافظت از یکدیگر در برابر انتشار ویروس انجام دهیم. بلکه صرفاً به معنای تصدیق این است که اقداماتی که دولت‌های مختلف اجرا می‌کنند، مبتنی بر وسایل اقتدارگرا و منطق اقتدارگرا است. به این فکر کنید که چگونه منابع بسیار بیشتری به ارتش، پلیس، بانک‌ها و بازار بورس نسبت به بهداشت عمومی و منابع کمک به مردم برای زنده ماندن از این بحران اختصاص می‌یابد. همچنان دستگیر شدن برای پلکیدن در خیابان آسان‌تر از آزمایش دادن برای ویروس است.

همان‌طور که ویروس حقیقت را در این باره به ما نشان می‌دهد که از پیش چگونه زندگی می‌کردیم - درباره‌ی روابط و خانه‌هایمان - همچنین نشانمان می‌دهد که از پیش در جامعه‌ای اقتدارگرا زندگی می‌کردیم. فرارسیدن بیماری عالم‌گیر فقط به آن رسمیت می‌بخشد. فرانسه ۱۰۰ هزار نیروی پلیس را در خیابان‌ها مستقر کرده است، ۲۰ هزار نفر بیشتر از تعدادی که در نقطه‌ی اوج اعتراضات جلیقه‌زرها قشون‌کشی کرده بودند. مهاجران محتاج پناهگاه در امتداد مرز بین ایالات متحده و مکزیک و مرز بین ترکیه و یونان پس‌زده می‌شوند. در ایتالیا و اسپانیا، دارودسته‌های پلیس به دونده‌ها در خیابان‌های خالی حمله می‌کنند.

در آلمان، پلیس در هامبورگ از این موقعیت سوءاستفاده کرده است تا یک خیمه‌ی پناهندگی خود-سازمان یافته را که به مدت چندین سال برپا بود، تخلیه کند. علی‌رغم قرنطینه، پلیس برلین همچنان یک میکرده‌ی جمعی آنارشیستی را تهدید به تخلیه می‌کند. در جاهای دیگر، پلیس ملبس به سازوبرگ کامل گروه ضربت بیماری، به یک مرکز پناهندگان یورش بردند.

بدتر از همه این که تمام این‌ها با رضایت ضمنی عموم مردم اتفاق می‌افتند. مقامات می‌توانند عملاً هر کاری را به نام حفاظت از سلامتی ما انجام دهند - حتی تا حد کشتن ما.

با وخیم شدن اوضاع، احتمالاً پلیس و ارتش را خواهیم دید که از نیروی بیش‌ازپیش کشنده‌ای استفاده می‌کنند. در بسیاری از نقاط دنیا، آن‌ها تنها کسانی هستند که قادرند آزادانه در تعداد زیاد گرد هم بیایند. وقتی پلیس متشکل از تنها بدنه‌ی اجتماعی است که می‌تواند به صورت گسترده جمع شود، هیچ کلمه‌ای غیر از «دولت پلیسی» برای توصیف شکل جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم وجود ندارد. برای دهه‌ها نشانه‌هایی وجود داشت که اوضاع دارد به این سمت می‌رود. سرمایه‌داری سابقاً به حفظ تعداد زیادی از کارگران قابل‌دسترس برای انجام کار صنعتی وابسته بود - به همین دلیل، ممکن نبود جان مردم به بی‌ارزشی امروز تلقی شود. از آنجاکه جهانی‌شدن سرمایه‌داری و اتوماسیون از وابستگی به کارگران کاسته است، نیروی کار جهانی به‌طور پیوسته به بخش خدمات منتقل شده و کاری را انجام می‌دهند که برای کارکرد اقتصاد ضروری نیست و بنابراین کم‌تر ایمن و با دستمزد بالا هستند، درحالی‌که دولت‌ها به‌طور فزاینده به نظامی‌سازی خشونت پلیس برای کنترل ناآرامی و عصبانیت وابسته شده‌اند.

اگر این بیماری عالم‌گیر به اندازه‌ی کافی طولانی شود، احتمالاً شاهد اتوماسیون بیشتری خواهیم بود - اتومبیل‌های خودران، تهدید ابتلای کمتری نسبت به رانندگان اوبر<sup>۱</sup> برای بورژوازی ایجاد می‌کنند - و کارگران آواره نیز بین صنایع سرکوب (پلیس، ارتش، امنیت خصوصی، پیمانکاران نظامی خصوصی) تقسیم می‌شوند و کارگران

<sup>۱</sup> Uber



بی‌ثباتی که مجبور می‌شوند خطر بزرگی را برای کسب اندکی پول بپذیرند. ما به سمت آینده‌ای می‌شتابیم که در آن طبقه‌ی ممتازی با ارتباطات دیجیتال، کار مجازی را در انزوا انجام می‌دهد، درحالی‌که دولت عظیم پلیسی از آن‌ها در برابر طبقه‌ی محروم بی‌مصرفی که بیشتر خطرات را می‌پذیرد، محافظت می‌کند.

جف بزوس<sup>۱</sup> میلیاردی از پیش ۱۰۰ هزار شغل به آمازون اضافه کرده است و پیش‌بینی می‌کند که شرکت وی فروشگاه‌های محلی را در همه‌جا از کاروکاسبی بیندازد. همچنین بزوس به کارمندان بخش غذایی‌اش باوجود خطر دائمی که آن‌ها در بخش خدمات با آن مواجه هستند، مرخصی با حقوق نخواهد داد؛ البته در ماه آوریل ۲ دلار افزایش حقوق به آنان می‌دهد. سخن کوتاه این‌که او همچنان زندگی آنان را بی‌ارزش در نظر می‌گیرد ولی تصدیق می‌کند که برای مرگ آنان باید پول بیشتری بپردازد.

در چنین زمینه‌ای لاجرم باید شورش شود. به‌احتمال‌زیاد، شاهد برخی اصلاحات اجتماعی خواهیم بود که با هدف دلجویی از جمعیت انجام می‌شوند - حداقل موقتاً برای کاهش تأثیر بیمار عالم‌گیر - اما آن‌ها با خشونت فزاینده‌ی دولت همراه خواهند بود؛ دولتی که هیچ‌کس نمی‌تواند نبود آن را تصور کند زیرا به‌عنوان حافظ سلامت ما سوءفهم می‌شود.

در واقع، خود دولت برای ما خطرناک‌ترین چیز است، چراکه توزیع به‌شدت نامتوازن منابع را به اجرا درمی‌آورد و ما را مجبور می‌کند تا با چنین توزیع نامتعادلی از خطر روبرو شویم. اگر می‌خواهیم زنده بمانیم، نمی‌توانیم فقط سیاست‌های منصفانه‌تری را مطالبه کنیم؛ ما همچنین باید قدرت دولت را مشروعیت‌زدایی و تضعیف کنیم.

### استراتژی‌های مقاومت

برای آن هدف، ما بحث خود را با چند استراتژی برای مقاومت که در حال آغاز و پیشرفت هستند، خاتمه خواهیم داد.

---

<sup>۱</sup> Jeff Bezos

## اعتصاب اجاره‌بها

در سان‌فرانسیسکو، جماعت مسکن ایستگاه ۱۴۰ با اعلام یک‌جانبه‌ی اعتصاب اجاره‌بها در واکنش به بحران، راه را باز کرده است:

ضرورت این لحظه، کنش قاطع و جمعی می‌طلبد. ما این کار را می‌کنیم تا از خودمان و اجتماع‌مان محافظت و مراقبت کنیم. اکنون بیشتر از هر زمان دیگری، ما از بدهی امتناع می‌کنیم و از استثمار شدن سر باز می‌زنیم. ما این بار را برای سرمایه‌داران متحمل نخواهیم شد. پنج سال پیش، ما تلاش صاحب‌خانه‌مان را برای بیرون انداختنمان شکست دادیم. ما به خاطر همبستگی همسایه‌هایمان و دوستانمان در سراسر جهان پیروز شدیم. ما یک‌بار دیگر آن شبکه را فرامی‌خوانیم. جماعت ما احساس می‌کند برای پناهگاهی که از نیمه‌شب در سراسر منطقه‌ی خلیج آغاز می‌شود، آماده است. معنادارترین اقدام همبستگی برای ما در این لحظه این است که همه با هم اعتصاب کنند. ما به محض این‌که بدانیم شما پشتیبان ما هستید، پشتیبان شما خواهیم بود. به استراحت پردازید، دعا کنید و مراقب یکدیگر باشید.

برای میلیون‌ها نفر که قادر به پرداخت قبض‌های خود نخواهند بود، این امر توفیقی اجباری است. میلیون‌ها نفر بی‌شماری که هشت‌شان گرو نه‌شان است، از پیش شغل و درآمدشان را ازدست‌داده‌اند و راهی برای پرداخت اجاره‌بهای آوریل ندارند. بهترین راه برای حمایت از آن‌ها اعتصاب همه‌ی ماست، که باعث می‌شود مقامات نتوانند هرکسی را که اجاره نمی‌پردازد، هدف قرار دهند. اگر امکانی برای کسب درآمد وجود ندارد، بانک‌ها و صاحب‌خانه‌ها نیز نباید بتوانند به کسب سود از رانت و اقساط وام ادامه دهند. عقل سلیم همین را می‌گوید.

این ایده از پیش به اشکال بسیار متفاوتی در حال گردش بوده است. در ملبورن استرالیا، شاخه‌ی محلی کارگران صنعتی جهان<sup>۲</sup> پیمان اعتصاب اجاره‌ی کووید-۱۹ را ترویج می‌دهد. انجمن گل سرخ<sup>۳</sup> خواستار آن است که مردم اجاره، وام و پرداخت

۱ Station ۴ .

۲ Industrial Workers of the World

۳ Rose Caucus

هزینه‌های خدمات را در طی شیوع به حالت تعلیق درآوردند. در ایالت واشنگتن، اعتصاب اجاره‌بهای سیاتل فراخوان مشابهی داده است. مستأجران شیکاگو به‌همراه مردم آستین، سنت‌لوئیس و نگزاس، تهدید به اعتصاب اجاره‌بها می‌کنند. در کانادا، سازمان‌دهی در تورنتو، کینگستون و مونترال وجود دارد. دیگران اسنادی را منتشر کرده‌اند که خواستار اعتصاب اجاره و وام می‌شود.

برای موفقیت در اعتصاب اجاره‌بها در سطح کشور، حداقل یکی از این پیشگامان باید دستاورد کافی به دست آورد تا تعداد زیادی از مردم مطمئن باشند که اگر متعهد به مشارکت شوند، آلاخون‌والاخون نخواهند ماند. باوجود این به‌جای این که منتظر سازمان توده‌ای واحدی برای هماهنگی اعتصاب گسترده از بالا باشید، بهتر است این تلاش‌ها در سطح مردمی آغاز شود. سازمان‌های متمرکز اغلب در مراحل اولیه‌ی فرایند مبارزه به خطر می‌افتند و زیر پای تلاش‌های خودآیین را که قدرت به چنین جنبش‌هایی می‌بخشد، خالی می‌کنند. بهترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم تا از این تجربه قوی‌تر بیرون بیایم، ساختن شبکه‌هایی است که بتوانند بی‌توجه به تصمیمات از بالا از خود دفاع کنند.

### اعتصابات کارگری و حمل‌ونقل

صدها کارگر در کارخانه‌ی کشتی‌سازی آتلانتیک در سنت‌نزر<sup>۱</sup> اعتصاب کردند. در فنلاند، رانندگان اتوبوس برای افزایش ایمنی خود در برابر آلودگی و اعتراض علیه خطراتی که در معرض آن هستند، از دریافت وجه از مسافران خودداری کردند و در این فرایند نشان دادند که حمل‌ونقل عمومی می‌تواند رایگان باشد.

زمان موعود برای طبقه‌ی کارگر تحت فشار و بی‌ثبات فرارسیده است که قدرت خود را از طریق اعتصابات و توقف کار نشان دهد. برای اولین بار، بیش‌تر جمعیت عمومی همدل خواهند بود، زیرا قطع روال عادی امور می‌تواند خطر انتشار ویروس را نیز کاهش دهد. به‌جای این که به دنبال بهبود شرایط فردی کارمندان خاص از طریق افزایش دستمزدها باشیم، معتقدیم مهم‌ترین کار ساختن شبکه‌هایی است که بتوانند

<sup>۱</sup> Saint-Nazaire

روال عادی امور را منقطع سازند، سیستم را در کل متلاشی کنند و به سمت برقراری انقلابی راه‌های بدیل زندگی و رابطه رهنمون شوند. در این مرحله، تصور برچیدن سرمایه‌داری آسان‌تر از تصور این است که حتی در این شرایط بتوان آن را به‌گونه‌ای اصلاح کرد که بتواند تمام نیازهای ما را به طریقی عادلانه و منصفانه برآورده کند.

### شورش‌های زندان

شورش‌هایی در زندان‌های برزیل و ایتالیا تا به حال منجر به فرارهای متعددی از جمله فرارهای دسته‌جمعی شده‌اند. شجاعت این زندانیان باید همه‌ی جمعیت‌های هدفی را به ما یادآوری کند که از نگاه عمومی دور نگه‌داشته شده‌اند، کسانی که در فجایعی مانند این بیشترین رنج را متحمل می‌شوند.

این شورش‌ها همچنین می‌توانند الهام‌بخش ما باشند: به‌جای پیروی از دستورات و پنهان ماندن درحالی که تمام دنیا به ماتریسی از سلول‌های زندان تبدیل می‌شود، می‌توانیم به‌صورت جمعی عمل کنیم تا از مهلکه بگریزیم.

منبع:

## [Surviving the Virus: An Anarchist Guide](#)